



## بررسی طبیعی بودن برخی پسوندهای فاعلی در تاریخ الوزرا:

صرف طبیعی<sup>۱</sup>

شیوا احمدی<sup>۲</sup>

جلال رحیمیان<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۱۱

### چکیده

در پژوهش حاضر به بررسی میزان بی‌نشانی و طبیعی بودن برخی از وندهای فاعلی شامل «-گر، -کار، -مند، -آنده، -ا، -ان و -بان» با رویکردی داده‌بنیاد در کتاب تاریخ الوزرا (قرن ششم) و در چارچوب صرف طبیعی پرداخته شده است. با توجه به تعدد وندهای فاعلی در زبان فارسی، تاکنون پژوهشی تاریخی و داده‌بنیاد انجام نشده تا مشخص شود که کدام یک از این وندها در قرن ششم بی‌نشانی‌ترین و در نتیجه، طبیعی‌ترین، و کدام یک نشان‌دارترین و غیرطبیعی‌ترین وند فاعلی بوده است. داده‌های پژوهش حاضر، از کتاب تاریخ الوزرا با استفاده از نرم‌افزار انت کانک استخراج شده است؛ نتایج، نشان داده است که طبیعی‌ترین وند در «-گر» و غیرطبیعی‌ترین، وند «-ان» است.

**واژه‌های کلیدی:** نشان‌داری، صرف طبیعی، طبیعی بودن، پسوندهای فاعلی، رویکرد تاریخی.

این مقاله از تز دکتری استخراج شده است.<sup>۱</sup>

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری زبان‌شناسی دانشگاه شیراز، بخش زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه

شیراز؛ (نویسنده مسئول) Sh.ahmadi.ikiu@gmail.com

<sup>۳</sup> دکتری تخصصی زبان‌شناسی، استاد بخش زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز؛

jrahimian@rose.shirazu.ac.ir

## ۱. مقدمه

در پژوهش حاضر به بررسی میزان طبیعی بودن (نشان‌داری) برخی از وندهای فاعلی با رویکردی داده‌بنیاد و تاریخی (قرن ششم)، در چارچوب صرف طبیعی در زبان فارسی پرداخته می‌شود. نظریه داده‌بنیاد یک روش تحقیق کیفی است که برای نظریه‌پردازی پیرامون پدیده مورد مطالعه استفاده می‌شود. پژوهش کیفی، تحقیقی است که داده‌ها و یافته‌های آن با شیوه‌هایی غیر از روش‌های آماری یا هرگونه کمی کردن حاصل می‌شود (Boumard, 1990: 2). در ابتدا دو محقق آمریکایی به نام‌های گلیر و استراوس (Glaser & Strauss, 1967) در کتابی به نام «اکتشاف نظریه‌سازی داده بنیاد» روش پژوهشی نظریه‌سازی داده‌بنیاد را معرفی کردند. هدف از این روش تحقیق، ارائه توضیحاتی در مورد داده‌های گردآوری شده است. در انجام پژوهش داده‌بنیاد، پژوهشگر به گردآوری داده‌های کیفی از طریق مصاحبه، مشاهده و تجزیه و تحلیل متنی می‌پردازد. گلیر (Glaser, 1992) معتقد است که در رویکرد داده‌بنیاد، پژوهشگر نباید فرضیه‌ای از پیش تعیین شده داشته باشد؛ به بیان دیگر، بررسی داده‌ها او را به سوی نتایج سوق می‌دهد بدون اینکه فرضیه‌ای از پیش مشخص داشته باشد. در این نوع پژوهش، سعی می‌شود که به بررسی کیفی داده‌ها پرداخته شود؛ پژوهش حاضر از آن جهت داده‌بنیاد است که تنها به ارائه آمار و ارقام در مورد داده‌ها بسنده نشده است؛ وندها در واژه‌هایی که حاوی آنها هستند و در متن به کار رفته‌اند، بررسی شده‌اند. به بیان دیگر، وندها در بافت طبیعی کاربریشان مورد بررسی قرار گرفته‌اند؛ در واقع، داده‌ها به صورت کیفی بررسی شده‌اند بدون اینکه پژوهشگران پیش‌زمینه‌ای در مورد نتایج داشته باشند؛ البته بررسی کمی داده‌ها نیز انجام شده است؛ به این صورت که تعداد هریک از داده‌ها در تاریخ‌الوزرا مشخص شده است. همچنین، مشخص شده است که در چند مورد وندهای مورد نظر بر فاعل بودن و در چند مورد بر غیر از فاعل بودن دلالت دارند. بنابراین، پژوهش حاضر هم به صورت کیفی و هم به صورت کمی بررسی شده‌اند. داده‌های مورد مطالعه، ماشین‌خواندن، متنی و طبیعی است. براساس مک کنری و ویلسون (Mcenery & Wilson, 2005) پیکره مجموعه‌ای (غالباً بزرگ) از داده‌های (غالباً) متنی، طبیعی و ماشین‌خواندنی است. با اینکه پژوهش حاضر این ویژگی‌ها را به جز بزرگ بودن حجم آن، دارد، آن را پیکره‌بنیاد در نظر نمی‌-

گیریم (حجم داده‌ها به دلیل محدودیت در تعداد صفحات (از طرف مجله)، کم انتخاب شده است). تحلیل وندها از نظر نشان‌داری، در بافت کاربردها در مورد نشان‌داری این وندها می‌تواند هم آماری را از میزان کاربرد این وندها در پیکره موردنظر به دست دهد و هم، میزان نشان‌داری آنها را در بافت زبانی واقعی و کاربردی آنها مشخص کند. در پژوهش‌های پیشین در مورد نشان‌داری، پژوهشی یافت نمی‌شود که در آنها پیوستار نشان-داری یک طبقه واژگانی با معنا و ساختار به ظاهر یکسان، در بافت کاربرد واقعی زبان تعیین شده باشد؛ وندهای فاعلی در طبقه خود دارای معنای یکسانی هستند؛ مثلاً وندهای «-گر، -کار، -نده، -مند و...» دارای معنای فاعلی هستند؛ اما تاکنون به این موضوع توجه نشده است که کدام یک از این وندها نشان‌دارتر (غیرطبیعی‌تر) و کدامیک بی‌نشان‌تر (طبیعی‌تر) هستند؟ همچنین، اطلاعاتی از تعداد کاربرد این وندها در یک پیکره زبانی در دست نیست؛ اگر قرار باشد اسم یا صفت فاعلی جدیدی وارد زبان فارسی شود، احتمال اشتقاق آن واژه جدید، از کدام وند بیشتر است؟ پیش از این کاری آماری ارائه نشده است که به این سوالات پاسخ داده باشد؛ زمانی که متغیرهایی را در بافت کاربرد واقعیشان بررسی می‌کنیم، می‌توان موارد نادر را نیز جستجو کرد؛ بدین معنا که اگر فقط یک واژه وجود داشته باشد که حاصل نوآوری نویسنده یا کاربر زبان است، در متن و بافت واقعی کاربرد مشاهده می‌شود که چنین چیزی در رویکردهای فرهنگ لغتی قابل دسترسی نیست. استفاده از نرم‌افزار انت‌کانک، این امکان را برای پژوهشگر فراهم می‌کند که فراوانی وندهای مورد نظر را در داده انتخاب‌شده، مشخص کنیم. در چارچوب صرف طبیعی، برای بررسی میزان نشان‌داری وندهای مورد نظر، بحث زبانی این وندها هم به میان می‌آید؛ بنابراین، سعی می‌شود به این پرسش پاسخ داده شود که میزان طبیعی بودن هر یک از این وندها در این دوره نسبت به یکدیگر چگونه است؟. داده‌های پژوهش حاضر، برگرفته از تاریخ‌الوزرا، تألیف نجم‌الدین ابوالرجا قمی، از دبیران دوره سلطان سلجوقی است که در حدود ۵۸۴ هجری قمری، درباره هفده نفر از وزیران سلجوقی نوشته شده است. نثر این کتاب هم ویژگیهای نثر ساده، و هم مشخصه‌های نثر فنی و مسجع را دارد که در آن امثال و اشعار فارسی و تازی مشاهده می‌شود (Beigzade & Yari Gol Darre, 2015). تاریخ‌الوزرا یک اثر تاریخی است؛ در تاریخ‌نگاری ذکر نام افراد و یا کنشگرها اهمیت

بسیاری دارد؛ از آنجایی که هدف پژوهش حاضر بررسی وندهای فاعلی است و کنشگری و داشتن یک وضعیت و حالت در این وندها مطرح است، تاریخ/الوزرا به عنوان اثر تاریخی مهمی در قرن ششم مورد بررسی قرار گرفت تا مشخص شود که در تاریخ‌نگاری قرن ششم ترتیب طبیعی بودن وندهای فاعلی به چه صورت بوده است. واژه‌های حاوی وندهای هدف در بافت کاربردشان، با استفاده از بخش واژه‌نمایی نرم‌افزار انت‌کانک استخراج و سپس به فایل اکسل منتقل شدند. پس از آن تک‌تک واژه‌ها در جمله‌هایی که به کار رفته بودند، براساس معیارهای مطرح در صرف طبیعی مورد بررسی قرار گرفتند.

## ۲. پیشینه پژوهش

### ۱.۲. آثار غیرایرانی

در حوزه صرف طبیعی پژوهش‌های بسیاری انجام شده است که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد. اثر درس‌لر و همکاران (Dressler et al., 1987) جامع نظرات پیشگامان نظریه صرف طبیعی از جمله، درس‌لر، مایر ثالر، پنگل و ورتزل است. در هر فصلی از این اثر نظرات یکی از شخصیت‌های فوق در باب جنبه‌های گوناگون صرف طبیعی به رشته تحریر درآمده است. درس‌لر (Dressler, 2006 b) صرف طبیعی را معرفی می‌کند و به بررسی ترکیب با این رویکرد می‌پردازد. گالیس (Galeas, 1998) نظریه سرنمون روش (Rosch, 1975, 1977, 1978) را با نظریه صرف طبیعی درس‌لر مقایسه می‌کند. گالیس (Galeas, 2001) به دنبال ارائه توصیفی از صرف طبیعی و پارامترهایی که خود به ویژگی‌های صرف طبیعی افزوده، پرداخته است. درس‌لر (Dressler, 2005) به بررسی ترکیب در صرف طبیعی پرداخته است. در واقع، نویسنده به دنبال کشف یک سری تمایلات جهانی در فرایند ترکیب است. مانوا (Manova, 2005) اشتقاق صفر را در زبان اسلاوی و در چارچوب صرف طبیعی و نظریه سرنمونی بررسی کرده است. گیوون (Givon, 1991, p. 106) نشان‌داری را با مقوله شناخت مرتبط می‌داند و معتقد است مقوله‌هایی که از نظر شناختی نشان‌دار هستند، از نظر ساختاری هم‌گرایش به نشان‌داری دارند. کیانگ (Qiang, 2014) نشان‌داری را در سطح معناشناسی با توجه به نظریه

سرنمونی مطرح شده در زبان‌شناسی شناختی بررسی کرده است. الکسیادو ( Alexiadou, 2019) به بررسی ارتباط بین نشان‌داری ساخت‌واژی و معنایی پرداخته است. در زمینه زایایی نیز پژوهش‌های غیر ایرانی انجام شده است که برخی از آنها شامل موارد روبرو هستند. درس‌لر (Dressler, 2003) (بررسی زایایی دستوری ساخت‌واژه‌تصریفی)، پلاگ (Plag, 2002) (بررسی زایایی کیفی و کمی)، گاکارینا (۲۰۰۲) (بررسی زایایی ساخت‌واژی و نقش آن در صرف تصریفی)، سعده (Saade, 2020) (بررسی معیارهای کمی زایایی در برخی از وندهای اشتقاقی قرض گرفته شده از زبان‌های ایتالیایی و سیلیکونی که وارد زبان ملتاس شده).

## ۲.۲. آثار ایرانی

حق‌بین (Hagbhin, 2009) به بررسی میزان طبیعی بودن تصریف در زبان فارسی بر مبنای صرف طبیعی پرداخته است. در این پژوهش از هر طبقه دستوری و واژگان ۱۰۰ مورد، انتخاب و تحلیل شده‌اند. حق‌بین (همان) بیان می‌کند: «زبان فارسی به لحاظ عناصر تصریفی متصل به فعل میزان بیشتری از طبیعی بودن با توجه به ملاک‌های نمایه‌گذاری و طول به لحاظ عناصر تصریفی متصل به اسم و صفت همچون زبان‌های پیوندی حد بیشتری از طبیعی بودن را با توجه به ملاک‌های شفافیت و اتحاد شکلی نشان می‌دهد». حق‌بین و کوشکی (Hagbhin & Koushki, 2015) به بررسی میزان متجانس بودن نظام تصریفی زبان فارسی بر اساس نظریه ورتزل در رویکرد صرف طبیعی پرداخته‌اند. در این پژوهش نویسندگان، نظریه صرف طبیعی نظام تصریفی زبان فارسی را بر اساس پنج ویژگی مطرح در این نظریه بررسی کرده‌اند. در چارچوب صرف طبیعی پژوهش‌های زیر انجام شده‌اند:

محمودی بختیاری و شاه حسینی (Mahmoodi Bakhtiari & Shah hosseini, 2015) (ویژگی‌های معنایی تکواژ «-کار» در چارچوب صرف طبیعی)، کوشکی و مظفری (Koushki & Mozaffari, 2007) (بررسی ترکیب در زبان فارسی بر اساس صرف طبیعی). در حوزه نشان‌داری می‌توان به این پژوهش‌ها اشاره کرد: نبی‌زاده سرابندی (Nabizade Sarabandi, 1993) (تجزیه و تحلیل متن بر مبنای واژگان نشان‌دار و بی‌نشان)، معینی (Moeini et al., 2011) (بررسی نشان‌داری صوری و طبقه‌بندی

انواع آن در سطح واژه به شیوه توصیفی و در چارچوب نظریه ساخت گرا، منصوری (Mansouri, 2012) (بررسی نشان‌داری در ترجمه‌های قرآن کریم). پژوهش‌های ایرانی متعددی در زمینه زایایی انجام شده است. صادقی (sadeghi, 1991) و حق-شناس (Haghshenas, 1993) (بررسی تغییر زایایی وندها در طول زمان)، کرمی (Karami, 2009) (بررسی زایایی وندهای «-گر، -بی، -نا، -مند، -دار، -وار، -گون» با استفاده از پیکره‌ای مستخرج از متون روزنامه‌ها)، خیرآبادی و زعفرانلو کامبوزیا (Kheirabadi & Zaferanlou Kambouzia, 2010) (بررسی رابطه ساخت هجایی با میزان زایایی وندهای اشتقاقی زبان فارسی)، مولودی و همکاران (Moloudi et al. 2019) (بررسی پیکره‌بنیاد زایایی پیشوندهای اشتقاقی در گونه نوشتاری زبان فارسی). در مورد اسم و صفت فاعلی، کریمی‌دوستان و مرادی (Karimidoostan & Moradi, 2011) (بررسی نقش معنایی وندهای «-نده و -ار» را در چارچوب نظری لیبر (Lieber, 2004). خرمایی (Khormaei, 2008) آنچه را که در دستور سنتی صفت فاعلی مرکب مرخم نامیده می‌شود، به چالش کشیده است.

### ۳. چارچوب نظری

در نظریه صرف طبیعی، طبیعی بودن و نشان‌داری که با فراوانی، سادگی و درک شمی متفاوتند، کانون توجه است. طبیعی بودن و بی‌نشانی دو مفهوم مترادف هستند (Dressler et al., 1987, p. 3). به اعتقاد مایرثالر (Mayethaler et al., 1987) طبیعی بودن نه امری مطلق که پدیده‌ای پیوستاری است. درس‌لر و همکاران (Dressler et al., 1987) چهار اصل نشانه‌شناسی را برای درک طبیعی بودن هر فرایند واژه‌سازی معرفی می‌کنند که عبارتند از: ۱. تصویرگونگی در واژه‌سازی<sup>۱</sup>، ۲. نمایه‌گذاری<sup>۲</sup>، ۳. تخصیص دوسویه<sup>۳</sup> (شفافیت صرفی و معنایی)، و ۴. شکل کلمه<sup>۴</sup> با توجه به انگیزه‌های واژه‌سازی». براساس

<sup>1</sup> morphotactic transparency

<sup>2</sup> indexicality

<sup>3</sup> transparency bi-uniqueness

<sup>4</sup> shape of signan

معیار تصویرگونگی، در صورت‌های اشتقاقی رابطه نموداری بین صورت و معنا وجود دارد؛ بدین معنا که برای هر عضو، یک معنا و مفهوم وجود دارد. در صورت‌هایی که از نظر واژی در حداکثر تصویرگونگی قرار دارند مرز بین پایه و وند مشخص است؛ مانند «dogs» که شامل بخش‌های /dog/ و /z/ است. درسلر (Dressler et al., 1987, P. 99-121) در مورد اصل نمایه‌گذاری معتقد است که نمایه ویژگی‌هایی دارد: «الف) یک نمایه در صورتی معتبر است که مدلول آن معتبر باشد و هر دال یک مدلول داشته باشد؛ مثلاً دال «-er» در انگلیسی سه مدلول «فاعل، ابزار و مکان» را دارد و بنابراین، معتبر نیست. ب) براساس اصل نمایه‌گذاری در واژه‌سازی، هر دال باید بر یک مدلول دلالت کند. در تخصیص دوسویه برای هر دال یک مدلول و برای هر مدلول یک دال وجود دارد. از نتایج پارامتر تخصیص دوسویه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: رابطه «ترادف»<sup>۱</sup> بین کلمات با این ویژگی در تضاد است. کلمات غیربسیطی که با فرایندهای واژه‌سازی نازایا تولید می‌شوند، از ایجاد کلمات مترادف با فرایندهای زایای واژه‌سازی ممانعت ایجاد می‌کنند. یکی دیگر از ویژگی‌های این پارامتر اجتناب از تولید هم‌نام‌ها است.<sup>۲</sup> چندمعنایی<sup>۳</sup> هم برای این پارامتر قابل قبول نیست؛ چون دال‌های آنها بیش از یک معنا دارند. پارامتر تخصیص دوسویه با زایایی یک فرایند واژه‌سازی مرتبط است.

### ۱.۳. زایایی

پنگل (Panagle et al., 1987, p. 127-150) چهار عامل را برای بررسی میزان زایایی یک فرایند بیان می‌کند که در پژوهش حاضر تنها دو عامل موراستفاده قرار گرفته است: الف) معیار کمی<sup>۴</sup> که به معنای بررسی فراوانی وقوع صورت‌های جدید، یعنی واژه‌های تک‌بسامدی، در طول یک دوره زمانی خاص است. ب) معیار کیفی<sup>۵</sup>: بر پایه این معیار، معنای واژه مشتق از یک فرایند اشتقاقی باید بازنمایی‌کننده معنای پایه‌اش باشد. درسلر (Dressler et al., 1987, p. 99-121) در مورد شکل کلمه با توجه به انگیزه‌های واژه-

<sup>1</sup> synonymous

<sup>2</sup> homonymy

<sup>3</sup> polysemy

<sup>4</sup> quantitative criteria

<sup>5</sup> qualitative criteria

سازی، بر این باور است که وندهای پیوسته نسبت به وندهای منفصل (میانوندها و بیروندها) طبیعی تر هستند. هولن اشتاین (Holestein, 1976) اصل برجستگی را در مورد شکل کلمه مطرح می کند. به نظر وی، بهترین طول برای یک واژه یا وندها می باشد؛ به بیان دیگر، وندها یا واژه های تک هجایی طبیعی تر از واژه ها یا هجاهای طولانی تر هستند.

### ۲.۳. چندمعنایی

در زبان شناسی، داشتن دو یا چند معنای مرتبط به هم چندمعنایی تلقی می شود. هم نامی آنگاه رخ می دهد که چند معنای یک واحد زبانی، به یکدیگر مرتبط نباشند (Crystal, 2003). از آنجایی که در پژوهش حاضر به دنبال ارائه پیوستاری از طبیعی بودن وندهای فاعلی هستیم، معانی متعددی که ذیل معنای فاعلیت قرار می گیرند، معیار چندمعنایی وندها هستند. به عبارتی، ممکن است در معنای فاعلی هر وندها، مولفه های معنایی دیگری نیز، وجود داشته باشد که ذیل فاعلیت قرار می گیرند؛ مثلاً معنای فاعلی پسوند «-کار» شامل مولفه های معنایی «شغل و انجام دادن کاری با تکرار» را نیز دارد. همچنین، در پژوهش حاضر، معانی وندهای فاعلی به دو دسته «پویا و ایستا» تقسیم شده است؛ با این کار، بسیاری از واژه هایی که به ظاهر فاعلی نیستند، فاعلی در نظر گرفته می شوند. فاعل یعنی عامل انجام یک کار یا کسی یا چیزی که پذیرنده یک حالت یا یک وضعیت است؛ بنابراین، دو نوع معنای عاملیت در نظر گرفته شده است: مفاهیم پویا و ایستا که در زبان شناسی نقشگرا در ارتباط با فرایندها بکار رفته اند، در این پژوهش در تحلیل معنایی وندها بکار خواهند رفت. فاعلی که بنا به ماهیت، کننده کار است پویا قلمداد می شود، و فاعلی که ماهیتاً بیانگر حالت/وضعیت است، ایستا تلقی می شود. «ایستایی» دال بر عدم کنش است، و «پویایی» حاکی از کنش است؛ بنابراین، برخی از واژه هایی که پیش از این فاعلی محسوب نمی شدند، فاعلی به حساب خواهند آمد.

### ۳.۳. توادف

در وندهای فاعلی، آنهایی مترادفند که مولفه های معنایی آنها در داده های مستخرج از کتاب مورد نظر، یکی باشد؛ همه این وندها دارای معنای کانونی «عامل یا پذیرنده حالت/وضعیت»، به ترتیب «پویا» و «ایستا» هستند و از این نظر همگی مترادفند اما شاید در برخی



از مولفه‌های معنایی مترادف نباشند؛ بنابراین، معیار مترادف در پژوهش حاضر، هم‌معنابودن در مولفه‌های معنایی وندهای فاعلی است؛ نه هم‌معنایی در مدلول‌های متعدد غیرفاعلی؛ مثلاً پسوندهای فاعلی «-کار و -گر» هر دو دارای مولفه معنایی «شغل» هستند؛ مثل «خدمتکار و آهنگر».

### ۴.۳. هم‌نامی

هم‌نامی آنگاه رخ می‌دهد که چند معنای یک واحد زبانی، به یکدیگر مرتبط نباشند (Crystal, 2003).

### ۵.۳. صفت و اسم فاعلی

انوری و احمدی گیوی (Anvari & Ahmadi Givi, 2004) صفت و اسم فاعلی را اینگونه توصیف می‌کنند: «صفت و یا اسمی که معنی فاعلیت دارد و بر انجام دهنده کار (کنشگر) یا دارنده و پذیرنده حالت دلالت می‌کند». صفت‌های فاعلی کلماتی هستند که دارای مفهوم صفت و در عین حال دلالت بر کننده کار و دارنده حالت دارند. بخش عمده این صفات از پیوند تکواژهای واژه‌ساز به آخر ریشه افعال به وجود می‌آیند؛ مانند: گوینده، گویا، افتان، نالان. نوع دیگری از الحاق تکواژهای واژه‌ساز «-ار» به آخر بن فعل به وجود می‌آیند؛ مانند: پرستار، خواستار (Shafaei, 1985, p. 111).

### ۴. تحلیل داده‌ها

در این بخش داده‌ها براساس معیارهای چهارگانه صرف طبیعی بررسی می‌شوند تا پیوستاری از میزان طبیعی بودن هر یک از وندها ارائه شود.

### ۱.۴. معیار تصویر گونگی و شفافیت واژی

ترکیب‌پذیری معنایی و مشخص بودن مرز بین پایه و وند عامل تعیین کننده، در میزان طبیعی بودن وند در براساس معیار تصویر گونگی و شفافیت واژی است.

#### ۱.۱.۴. وند «ا-»

در تاریخ‌الوزرا، ۱۵ واژه مشتق حاوی پسوند «ا-» مشاهده شده است؛ همه واژه‌های مشتق (برابر با ۱۰ مورد) به جز «دریغا، خوشا، مبدا و گفتا» بر مدلول فاعلی دلالت دارند.

(۱)... امیر عباس از آنچه بر سر او رفت، غافل آمد. مرد بینا چون خفته باشد، با کور یکسان بود...

(۲) ... دوستی او نه آن پیراهن یوسف بودی که یعقوب، علیه السلام، بدان **بینا** شد، آن پیراهن یوسف بود که ...  
براساس معیار تصویر گونگی و شفافیت واژی، وند «-ا»، در همه موارد فاعلی دارای تصویر گونگی و شفافیت واژی هستند (۱۰۰٪).

#### ۲.۱.۴. وند «-ان»

از ۳۵۲ مورد حاصل از پسوند «-ان»، ۶۲ مورد وند اشتقاقی فاعلی، ۲۸۹ وند، تصریفی و ۱ مورد دارای وند اشتقاقی مکان هستند؛ وند «-ان» بر مدلول‌های فاعلی، مکان و مدلول تصریفی جمع، دلالت دارد. در واژه «گیلان» وند «-ان» در کنار پایه «گیل» قرار گرفته است و معنای مکانی به پایه افزوده است؛ گیلان یعنی مملکت گیلها (Dehkhoda, 1999, p. 19483). احمدی گیوی و انوری (Ahmadi Givi & Anvari, 2004, p. 146) «گریان، دوان، شتابان، خندان و گریزان» را صفت فاعلی می‌دانند.

(۵) ... کودکان گهواره به ضرورت **توسان** و **لوزان** باید بود. متیقظان از این مخاریق صد هزار فرسنگ روند. ...

(۶) ... چون پای سراو از تن برگرفتند. سراو چون گوی در میدان **دوان** شد. امیر عباس در خدمت سلطان به ...

تمام ۶۲ مورد فاعلی مشتق حاوی وند «-ان»، از نظر معیار تصویر گونگی و شفافیت واژی، = ۱۰۰٪ طبیعی هستند.

#### ۳.۱.۴. وند «-بان»

۱۸ واژه مشتق حاوی این وند در *تاریخ‌الوزرا* وجود دارد. «پاسبان» به معنای «نگهبان و حافظ» است (Dehkhoda, 1999, p. 4303). «پاس» به معنای «حراست، نگهبانی و نگهداری» است (Dehkhoda, 1999, p. 5355). در برخی از این نمونه‌های مشتق حاوی وند «-بان» مولفه معنایی «حراست و نگهبانی» به عنوان شغل است و در برخی دیگر این گونه نیست. مثلاً در نمونه زیر، «پاسبان» یعنی «کسی که از دیگران مراقبت می‌کند» و معنای شغل را ندارد.

(۷) ... سگ در کسی که شناسد، نهجد و پیوسته **پاسبان** مردم خویش بود. امیر اینانج که سکون اقلیمی. ...

در نمونه زیر «پاسبان» کسی است که در دربار شاه نگهبانی می‌دهد و شغلش نگهبانی و حراست از دربار است.

(۸) ... بدان تواضع می‌خواهند که سلطان و **پاسبان** پیش ایشان یکی باشد، و بر قضیت آنکه هر دو را جاهل ...

از ۵ مورد واژه «پاسبان»، ۴ مورد، معنای شغل دارد و ۱ مورد معنای حراست دارد تا شغل. «مهربان» در *تاریخ الوزرا* یک صفت است که به عنوان وابسته اسم آمده است؛ «مهربان» یعنی «صاحب مهر، مشفق، شفیق، رئوف و نیکی کننده» (Dehkhoda, 1999, p. 21892-21893). این واژه به معنی نیکی کننده و رحم کننده نیز آمده است (Moein, 2003, p. 1865).

(۹)... به ظاهر گریه‌ای **مهربان** بود، و در باطن درشتتر از خار پشت. تازه رویی او روشنی شمشیر بود که چون...

در همه واژه‌های مشتق حاوی وند «-بان»، این وند ۱۰۰٪ تصویرگونگی و شفافیت واژی دارد.

#### ۴.۱.۴. وند «-کار»

۳ واژه مشتق حاوی وند «-کار» در *تاریخ الوزرا* وجود دارد؛ «بزهکار، خدمتکار و کامکار». وند مزبور در همه واژه‌ها دارای معنای کانونی فاعلی است اما سه مولفه معنایی متفاوت دارد که عبارتند از: کثرت و تکرار یک کار، شغل و دارندگی یک وضعیت. دو مولفه اول معنایی پویا، و مولفه آخر معنایی ایستا دارد. «بزهکار» صفت فاعلی و به معنای «خطاکار، مجرم و گناهکار» است (Moein, 2003, p. 262). پایه «بزه» به معنای «گناه و خطا» در کنار وند «-کار» آمده و واژه «بزهکار» به معنای «خطاکار» مشتق شده است.

(۱۱)... که بدانچه آن شمشیر کرد به خلاف شرع **بزهکار** شد. هیچ مزبله‌ای بی جعل نباشد. پلنگ بچه نهد، که...

«خدمتکار» یک اسم فاعلی شغلی و به معنای «نوکر، چاکر و کسی که در خانه کسی کار و خدمت می‌کند» است. واژه «خدمتکار» با واژه «خدمتگزار» هم معناست؛ واژه دوم هم اسم فاعلی است که به معنای «نوکر و مستخدم» است (Moein, 2003, p. 617). «مستخدم» مترادف «خدمتکار» است (Moein, 2003, p. 1718).

(۱۲)... باذقانی، معروف به چند نگین، **خدمتکار** قدیم سلطان طغرل بود، و در اول برای اسم وکیل دری بود...

«کامکار» به معنای «سعادت‌مند، خوشبخت و موفق» است. «کام» به معنای «مراد، مقصد و آرزو» است (Moein, 2003, p. 1316-1317). «کامکار» «وضعیت سعادت و لذت بردن» را در کسی را نشان می‌دهد.

(۱۳)... جماعتی که در خدمت او بودند، **کامکار** و کامران آمدند. حال ایشان حال نرگس شد، که تنش...

وند مورد نظر، در تمامی موارد، براساس معیار تصویرگونگی و شفافیت واژی، ۱۰۰٪ طبیعی است.

#### ۴.۱.۵. وند «-گر»

از ۱۷ واژه مشتق حاوی وند «-گر» در *تاریخ‌الوزرا*، در ۳ واژه معنای کانونی فاعلی با مولفه معنایی شغل وجود دارد، و در ۱۴ مورد دال بر دارندگی یک ویژگی ایستا است. ۹ مورد از واژه «کارگر» بیانگر شغل «کارگری» نیست؛ بلکه به معنای «اثرکننده» است و معنای پویای فاعلیت با مولفه معنایی «شغلی» از آن استنباط نمی‌شود؛ «کارگر آمدن» یعنی «موثر واقع شدن» (Dehkhoda, 1999, p. 17976).

(۱۴) ... و گوی سخن در میدان افگندی، هرفساد که کردی، **کارگر آمدی**. تیر او از نشانه خطا نرفتی...

(۱۵) ... ، و بر ناخن معتبر نباشد. **آهنگر** در این قضیت بویاتر از عطار است. مورد کرم جلال‌الدین، که ...

در مثال زیر، عبارت «توانگر طبع» یعنی «کسی که طبع بلند» دارد.

(۱۶) ... با این همه، درویشی **توانگر طبع** بود. توانگری و درویشی به دل است، نه به سیم. **توانگر** را چون

مروتی نباشد، ...

همه موارد مشتق حاوی وند «-گر»، ۱۰۰٪ شفافیت واژی و تصویر‌گونگی دارند.

#### ۴.۱.۶. وند «-مند»

از ۶ واژه مشتق حاوی این وند، ۲ مورد واژه «دردمند» است که بر فاعل بودن دلالت ندارد؛ زیرا فرد دردمند، بر اثر عاملی مانند بیماری، رنج می‌برد.

(۱۷) ... بر مداوات آن خرجی نیفتاد. بسیار **دردمند** باشد که بی مداوات نیک شود. حکم قوام‌الدین از سر قدرت...

«دانشمند» یعنی «عالم، دانا، فاضل و فقیه» (Moein, 2003, p. 658). «دانشمند» به -

عنوان «صاحب دانش، دانشگر و دانشور» نیز، آمده است (Dehkhoda, 1999, p. 10400). در *تاریخ‌الوزرا* هم «دانشمند» به همین معنا به کار رفته است.

(۱۸) ... او بر آن اقلیم روان بود، به حکم آنکه **دانشمند** بود، خدمت او تیرک می‌دانستند، محسود همه جهانیان...

«برومند» به معنای «دارای بار، بارور و صاحب نفع» است (Dehkhoda, 1999, p. 4659).

(۱۹) ... اولاد نظام‌الدین در باغ وزارت سروان بلندند و درختان **برومند** بیگانه درختی که در این باغ سرفراشت...

در ۴ مورد، وند «-مند»، دارای فاعلیت ایستا است که انجام دادن فرایند یا عملی را

نشان نمی‌دهد. در ۲ مورد هم وند «-مند» معنای مفعولی دارد. وند فاعلی «-مند» از نظر معیار تصویر‌گونگی و شفافیت واژی، ۱۰۰٪ طبیعی است.

#### ۴.۱.۷. وند «-نده»

۲۲ واژه مشتق حاوی وند «-لآنده» از تاریخ‌الوزرا وجود دارد. «خزنده» صفت و به معنای «آنکه می‌خزد، کشاکشان و رونده» است (Dehkhoda, 1999: 9762). در تاریخ‌الوزرا «خزنده» به معنای «افزایش یافتن» است؛ یعنی در این مورد، «خزنده»، کسی یا حیوانی نیست که می‌خزد؛ بلکه منظور قیمت است که هرروز افزایش می‌یابد. پس معنای «خزنده»، ایستاست و پذیرندگی حالتی را نشان می‌دهد.

(۲۰)... استخوان پیل مرده، به بهای خزنده برآید. چون شکسته شود هم در دارو به کار آید. از ولی‌الدین...

«گوارنده» یعنی «خوش‌گوار، سلامتی‌بخش و سریع‌الهضم» (Dehkhoda, 1999: 19332). «گوار» به معنای «هرچیزی از خوردنی و آشامیدنی که در حلق به آسانی رود و هضم شود» است (Dehkhoda, 1999: 19328). «گوارنده» یعنی هر آنچه که تأثیری فرح‌بخش دارد.

(۲۱)... جهل چون می‌تلخ و ناخوش (۳۲) است، ولکن گوارنده و طرب انگیز باشد. بسیار دست را که...

وند «-لآنده»، در تاریخ‌الوزرا از نظر معیار تصویر‌گونگی و شفافیت واژی ۱۰۰٪ طبیعی است.

#### ۲.۴. معیار نمایه‌گذاری

براساس اصل نمایه‌گذاری، وندی معتبر است که بر یک مدلول دلالت داشته باشد.

##### ۱.۲.۴. وند «-ا»

از ۱۵ واژه مشتق حاوی وند «-ا»، ۵ مورد غیرفاعلی هستند و وند مزبور بر «ایجاد صوت» و «شناسه» دلالت دارد؛ مثلاً در واژه «دریغا» وند «-ا» برای ایجاد یک صوت به واژه «دریغ» اضافه شده است. در واژه «دریغا» پسوند «-ا» صوت ساخته و امروزه نیمه‌فعال است؛ اما در گذشته فعال بوده است (Farshidvard, 2004, p. 145). «دریغا» یک صوت است به معنای «ای دریغ» (Moein, 2003, p. 674). ۲ مورد «دریغا» در کتاب تاریخ‌الوزرا وجود دارد.

(۲۳)... و چون قوس قزح و پلنگ در رنگ شد، شعر: ای دریغا که خواجه بوالقاسم رفت و نوبت بدین مباحی...

۱ مورد واژه «خوشا» نیز وجود دارد که این واژه هم صوت است؛ برای ابراز احساسات. واژه «خوشا» نیز یک صوت است که «-ا» در آن فاعلی نیست و در تاریخ‌الوزرا نیز به معنای «خوش به حال...» به کار رفته است.

(۲۴)... دست او در مروت دریایی بود معدن. در **خوشا** به روزگار او عنوان سعادت آمد. به فرایض و نوافل امور...

۱ مورد نیز واژه «گفتا» در **تاریخ الوزرا** وجود دارد که «-ا» در این واژه نیز به عنوان پسوند فاعلی عمل نکرده است و در آن نقش شناسه را دارد.

(۲۵)... دست برد او را بود. سلطان را گفتا: اگر آنچه بر دم همین ساعت ندهی، دو موکل از آن امیر اجل به سر...

۱ مورد هم واژه «مبادا» وجود دارد که «-ا» در این واژه معنای دعایی دارد. این ۵ مورد غیر فاعلی، ۳۳.۳۳٪ از موارد مشتق حاوی وند «-ا» را به خود اختصاص داده‌اند و وند فاعلی «-ا» براساس نمایه گذاری ۳۳.۳۳٪ غیر طبیعی و ۶۶.۶۶٪ طبیعی و بی نشان است.

#### ۲.۲.۴. وند «-ان»

وند «-ان» در ۶۲ مورد از ۳۵۲ واژه در **تاریخ الوزرا**، وند اشتقاقی (۶۲ مورد فاعلی و ۱ مورد مکان) و در ۲۸۹ مورد وند تصریفی جمع است؛ به عبارتی، وند «-ان» در ۱۷.۶۱٪ مورد به عنوان وند اشتقاقی (فاعلی)، در ۸۱.۰۷٪ مورد به عنوان وند تصریفی و در ۰.۲۸٪ به عنوان وند اشتقاقی مکان به کار رفته است؛ بنابراین، براساس معیار نمایه گذاری، از اعتبار وند «-ان» به عنوان وند فاعلی، به میزان ۸۱.۳۵٪ (۸۱.۰۷٪ تصریفی + ۰.۲۸٪ وند اشتقاقی مکان) کاسته می شود.

#### ۳.۲.۴. وند «-بان»

در ۱۶ واژه از ۱۸ مورد مشتق حاوی وند «-بان» در **تاریخ الوزرا**، معنای کانونی فاعلیت وجود دارد. در ۱۵ مورد از ۱۶ مورد، مولفه معنایی «حراست و نگهداری» بیانگر شغل است و تنها در یک مورد، معنای شغل وجود ندارد. واژه «مهربان»، ۲ مورد، به معنای «کسی است که نیکی کننده و بامهر است» و اصلاً معنای «حراست و نگهداری» ندارد. معنای «نگهبانی و حراست» پویا است؛ بدین دلیل که کار و فرایند «مراقبت کردن از جایی یا کسی»، توسط فاعل انجام می شود؛ در حالی واژه «مهربان»، صفتی با معنای فاعلیت ایستا است. بنابراین، همه ۱۸ مورد مشتق حاوی وند «-بان» معنای کانونی فاعلیت دارند؛ اما در ۲ مورد، یعنی «مهربان»، مولفه معنایی «داربودن یک ویژگی» به معنای کانونی فاعلیت افزوده شده است؛ این مولفه معنایی، مفهوم ایستابودن را به فاعلیت اضافه کرده است. در ۱۶ مورد هم مولفه معنایی «شغل حراست و نگهداری» معنای کانونی فاعلیت پویا دارد. بنابراین، «-بان» دارای مدلول کانونی فاعلیت است که مولفه های ایستایی «دارندگی» و پویای «حراست و

نگهبانی» را نیز در خود دارد. می‌توان نتیجه گرفت که براساس معیار نمایه‌گذاری از میزان طبیعی بودن وند «-بان» نسبت به وندهایی که فقط یک مولفه معنایی از فاعلیت آنها متبادر می‌شود، کاسته می‌شود. ۲ مورد «مهربان» ۱۱.۱۱٪ موارد مشتق حاوی وند «-بان» را در تاریخ‌الوزرا، به خود اختصاص داده‌اند؛ این ۱۱.۱۱٪ موارد، مولفه معنایی متفاوتی نسبت به اکثریت موارد مشتق حاوی وند «-بان» را دارند؛ بنابراین، وند «-بان» براساس نمایه‌گذاری، ۱۱.۱۱٪ غیرطبیعی و ۸۸.۸۸٪ طبیعی و بی‌نشان است.

#### ۴.۲.۴. وند «-کار»

۳ واژه مشتق حاوی وند «-کار» در تاریخ‌الوزرا معنای فاعلیت دارند. دال «-کار» بر یک مدلول فاعلیت دلالت دارد؛ البته معانی فاعلیت در این سه مورد براساس ایستایی و پویایی معنایی متفاوت از یکدیگر دارند؛ مثلاً «بزهکار» «کسی است که کار خطا و گناه انجام می‌دهد» یعنی انجام دادن یک عمل را در خود دارد. «بزه» یعنی «گناه و خطا» (Dehkhoda, 1999, p. 4719). واژه «بزهکار» «کثرت در انجام کار» را در خود دارد؛ یعنی کسی که به کرات گناه و خطا انجام می‌دهد. «خدمتکار» یعنی «آنکه در خانه کسی کار و خدمت می‌کند» (Moein, 2003, p. 617)؛ یعنی واژه «خدمتکار» از نظر مولفه معنایی «شغل داشتن»، با واژه‌های «بزهکار و کامکار» متفاوت است. «خدمتکار» کار نوکری را به‌عنوان شغل انجام می‌دهد؛ «بزهکار» خطا و اشتباه را به دفعات زیاد تکرار می‌کند و «کامکار» داشتن یک حالت را به کسی نسبت می‌دهد. «کامکار» یعنی «سعادت‌مند و نیک‌بخت» (Dehkhoda, 1999, p. 18099). دو واژه اول از نظر معنای فاعلیت، پویا هستند و واژه آخر، «حالت خوش بودن و خوشبخت بودن» را دارد که ایستا است.

#### ۵.۲.۴. وند «-گر»

از ۱۷ واژه مشتق حاوی وند «-گر»، ۹ مورد «کارگر» است که در تمامی آنها معنای «موثر و اثرکننده» وجود دارد (Dehkhoda, 1999, p. 17976). «کارگر» یعنی «اثرکننده و موثر، هرآنچه که اثر کند و موثر واقع شود»؛ مانند سخن، دارو، زخم شمشیر و جز آن (Dehkhoda, 1999: 17975). درواقع، واژه «کارگر» در پیکره موردبررسی، معنای «کسی که در کارخانه به شغل کارگری مشغول است»، را ندارد بلکه حالتی را در چیزی

نشان می‌دهد که معنایی ایستا دارد؛ چون «کارگر» پذیرای نشانهٔ صرفی «تر» است، صفت پنداشته می‌شود. از نظر معنایی نیز ویژگی و چگونگی چیزی را نشان می‌دهد. ۱۷ مورد مشتق حاوی وند «-گر» دارای معنای کانونی فاعلیت هستند؛ از این تعداد، ۳ مورد، برابر با ۱۷.۶۴٪، مولفهٔ معنایی «شغل» را دارند که این موارد، معنای فاعلی پویای «انجام دادن یک فرایند به‌عنوان شغل» را در خود دارند. وند «-گر» در ۱۰۰٪ موارد معنای کانونی فاعلیت را دارد که از این ۱۰۰٪، ۱۷.۶۴٪ موارد مولفهٔ معنایی «شغل» را دارند.

(۲۸)... چون نیزه که هرچند نرم باشد کارگرتو بود. نورالدین را بر دست شیرکوه فتحی بدین بزرگواری برآمد...

#### ۶.۲.۴. وند «-مند»

از ۶ واژهٔ فاعلی از وند «-مند»، در ۴ مورد معنای کانونی «فاعلیت» با مولفهٔ معنایی «دارندگی» در وند مزبور وجود دارد که یک وضعیت و حالت را نشان می‌دهد و معنایی ایستا دارد. ۲ مورد واژهٔ «دردمند» در *تاریخ‌الوزرا* وجود دارد که به معنی «صاحب درد، دارای رنج تن یا رنج جان» است (Dehkhoda, 1999, p. 10592). معنای «دارندگی» در این واژه با معنای «دارندگی» در واژه‌هایی مانند «خردمند و دانشمند» متفاوت است؛ بدین معنا که کسی که دردمند است، از سوی عاملی دیگر، مانند یک بیماری، تحت درد قرار گرفته است؛ یعنی کسی که دردمند است، خودش دارای یک ویژگی شخصیتی و یا یک حالت نیست؛ بلکه عاملی مانند عشق یا بیماری، درد را به کسی تحمیل کرده است و آن شخص تحت تأثیر این عوامل، تحت یک درد و ناراحتی قرار گرفته است؛ به بیان دیگر، در واژهٔ «دردمند» بیشتر با مفهوم مفعولیت سروکار داریم تا مفهوم فاعلیت؛ در مقابل، «خردمند» کسی است که ویژگی «عاقل بودن و دانا بودن» را داراست؛ این معنا، مفهوم فاعلیت را در خود دارد و این معنا، معنایی ایستا از فاعلیت را داراست. بنابراین، واژهٔ «دردمند»، «-مند» معنای مفعولیت دارد تا فاعلیت. ۲ مورد از واژهٔ «دردمند» در *تاریخ‌الوزرا* ۳۳.۳۳٪ موارد مشتق حاوی وند «-مند» را به خود اختصاص داده است. پس این وند در ۳۳.۳۳٪ موارد، بر مفعول بودن و در ۶۶.۶۷٪ موارد بر فاعل بودن دلالت دارد و براساس معیار نمایه‌گذاری، به میزان ۶۶.۶۷٪ به‌عنوان وند فاعلی، طبیعی است.

(۲۹)... در شش دره دست‌تنگی افتاده، و چشم، نابینا و حال او، دردمند گشته. اسب نیکو داشت، و کیل را گفت...



#### ۷.۲.۴. «-آنده» وند

۲۲ واژه حاصل از وند «-آنده» در تاریخ‌الوزرا وجود دارد که در همه موارد، فقط بر مدلول فاعلیت (پویا، که انجام گرفتن کاری) را نشان می‌دهند، بدون هیچ مولفه معنایی دیگری، دلالت دارد و از نظر معیار نمایه‌گذاری، ۱۰۰٪ طبیعی است.

«سوزنده» یعنی «آنچه که می‌سوزاند»؛ در نمونه زیر، این واژه تکواژ «تر» گرفته است که به صفات اضافه می‌شود تا در مقام مقایسه برآید؛ این صفت فاعلی یعنی «زبانی که به کنایه و آزاررساندن» می‌چرخد و آزار آن از آتش سوزاننده‌تر است.

(۳۰) ... چون کمان، آنگاه ساکن شد، که تیر بینداخت. زبانی داشت سوزنده‌تر از زبان آتش، چنانکه در آینه...

#### ۳.۴. تخصیص دوسویه: دلالت بر یک مدلول و برعکس، هم‌نامی، ترادف (هم‌معنایی) و چندمعنایی

در تخصیص دوسویه هر دال باید بر یک مدلول دلالت کند و هر مدلول هم از طریق یک دال بازنمایی شود؛ همچنین، هم‌نامی، ترادف و چندمعنایی نیز باعث تخطی از معیار تخصیص دوسویه می‌شود. با توجه به این چهار زیرمعیار تخصیص دوسویه، هریک از وندها بررسی می‌شوند.

#### ۱.۳.۴. «-ا» وند

این دال تنها بر فاعلیت دلالت ندارد و به میزان ۳۳.۳۳٪ بر مدلول‌هایی غیر از فاعل بودن دلالت دارد. همچنین، فاعلیت هم تنها با این وند، بازنمایی نمی‌شود.

(۳۶) ... اگر نه چیزی نیافتی که خورد. فرزند طفل او نخواستی که از شیر بازگیرند، مبادا که نان خورد. به هر...

در متون قدیمی معمولاً به جای «گفت» از «گفتا» استفاده می‌شد که در پیکره پژوهش حاضر نیز، ۱ مورد از واژه «گفتا» مشاهده می‌شود؛ «الف» در این واژه نقش شناسه را برای فاعلی «او» داشته است. پس در این واژه نیز، «الف» معنای فاعلی ندارد و فقط با وند «ا» هم‌نام است و نقش دستوری و معنایی متفاوتی دارد.

(۳۷) ... دست برد او را بود. سلطان را گفتا: اگر آنچه بردم همین ساعت ندهی، دو موکل از آن امیر اجل به سر...

۱۰ مورد از واژه‌های مشتق حاوی وند «ا» فاعلی هستند. ۵ مورد فاعلی نیستند و معانی دیگری را ایجاد کرده‌اند؛ در مورد واژه‌های «خوشا و دریغا» وند «ا» صوت ایجاد کرده و برای ابراز احساسات به کار رفته است؛ یعنی این واژه‌ها معنای فاعلی را ندارند. همچنین، در

واژه «مبادا» وند «ا-» معنای دعایی را ایجاد کرده است و معنای فاعلی ندارد. واژه «گفتا» نیز فاعلی نیست و «ا-» کاربرد قدیمی دارد که بیشتر به عنوان شناسه سوم شخص مفرد، در نظر گرفته می‌شود. این معنای غیر فاعلی، یعنی دعا، شناسه و صوت، علاوه بر مدلول فاعلی مدلول‌های دیگر وند «ا-» هستند؛ بنابراین، در تاریخ‌الوزرا، وند «ا-» چند مدلول دارد و به همین دلیل، از تخصیص دوسویه تخطی شده است. ۱۰ مورد، یعنی ۶۶.۶۷٪، واژه‌های مشتق حاوی وند «ا-» فاعلی هستند و در نتیجه، براساس تخصیص دوسویه این وند، به میزان ۶۶.۶۷٪ طبیعی و بی‌نشان است. از آنجایی که وند «ا-» چند مدلول دارد، چندمعنا نیز هست؛ یعنی معنای فاعلی، دعایی، بیان احساسات (صورت) و به عنوان شناسه به کار رفته است. این وند با هیچ وند دیگری هم‌معنا و مترادف نیست و از این جهت ۱۰۰٪ طبیعی است.

#### ۲.۳.۴. وند «ان-»

از نظر معیار تخصیص دوسویه، هیچ‌یک از وندهای فاعلی ۱۰۰٪ طبیعی نیستند. برای مدلول فاعلیت، چند دال، مثل وندهای «ا-»، «ان-»، «-گر» و ... وجود دارد؛ پس به صورت کلی «فاعلیت» در فارسی از معیار تخصیص دوسویه تخطی کرده است؛ به صورت خاصتر وند «ان-» نیز از این معیار تخطی کرده است؛ این وند هم یک وند اشتقاقی با معنای فاعلی و مکان و هم یک وند تصریفی است. بر این پایه، دال «ان-» بر سه مدلول «تصریف جمع، فاعل و مکان»، دلالت دارد؛ ضمن اینکه، وندهای جمع، مکان و فاعلی دیگری نیز در فارسی و به ویژه در پیکره پژوهش حاضر، وجود دارند؛ مثل نشانه جمع «-ها»، «-ات» و ... وندهای اشتقاقی فاعلی «-گر»، «-کار» و ... و همچنین، وندهای مکان مانند «-ستان»، «-زار» و ... از تعداد ۳۵۲ مورد ساخته شده از وند «ان-»، ۶۲ مورد اشتقاقی (فاعلی)، ۱ مورد اشتقاقی مکان و ۲۸۹ مورد، تصریفی است؛ به عبارتی دیگر، تنها در ۱۷.۶۱٪ مورد وند اشتقاقی فاعلی است، در ۸۱.۰۷٪ مورد تصریفی، و در ۰.۲۸٪ مورد، بیانگر مکان است؛ بنابراین، وند «ان-» تنها به میزان ۱۷.۶۱٪ فاعلی و براساس دلالت بر یک دال، طبیعی عمل کرده است و ۸۲.۳۹٪ از این معیار تخطی کرده است. وند «ان-» فاعلی (۱۷.۱۶٪) با وندهای تصریفی جمع و وند مکان هم‌نام است و در عین حال از ویژگی چندمعنایی بهره‌مند است.

از اینرو انتظار می‌رود که براساس معیار تخصیص دوسویه، از میزان طبیعی بودن این وند کاسته می‌شود. این وند با هیچ وند دیگری هم‌معنا و مترادف نیست و از این جهت ۱۰۰٪ طبیعی است.

#### ۳.۳.۴. وند «بان»

وند «بان» در *تاریخ‌الوزرا* تنها بر فاعل بودن دلالت دارد؛ اما فاعلیت، در وندها و فرایندهای ساخت‌واژی دیگر نیز وجود دارد. بر این اساس، وند «بان» از نظر زیرمعیار دلالت بر یک مدلول، نسبت به وندهای دیگری که مدلول‌های دیگری غیر از فاعلیت دارند، ۱۰۰٪ طبیعی است. وند «بان» با وند دیگری هم‌نام نیست، اما دارای معنای کانونی فاعلیت است و در مولفه معنایی «کننده کار»، معنای «حراست و نگهبانی» را به‌عنوان شغل و غیرشغل نیز در خود دارد؛ پس این وند به‌میزان ۸۸.۸۸٪ در مولفه معنایی کننده کار دارای چندمعنایی حراست و نگهبانی به‌عنوان شغل و غیرشغل است. ۸۳.۳۳٪ واژه‌های مشتق حاوی وند «بان» با وندهای «گر» و «کار» در معنای کننده کار و شغل مترادف (هم‌معنا) است.

#### ۴.۳.۴. وند «کار»

دال «کار» تنها بر مدلول «فاعلیت» دلالت دارد؛ اما عکس این قضیه صادق نیست؛ زیرا معنای فاعلیت با وندهای دیگری نیز، بازنمایی می‌شود. پس وند «کار» نسبت به وندهای دیگری که مدلول‌های دیگری غیر از فاعلیت دارند، ۱۰۰٪ طبیعی است. وند «کار» با هیچ وند دیگری در *تاریخ‌الوزرا* هم‌نام نیست اما چندمعنا است؛ زیرا مولفه‌های معنایی «شغل و انجام یک کار با کثرت و تکرار» را ذیل مولفه معنایی کننده کار دارد. پس، وند مزبور ۶۶.۶۶٪ چندمعنا است. ۳۳.۳۳٪ واژه‌های مشتق حاوی وند «کار» با وندهای «گر» و «بان» در معنای «کننده کار و شغل» مترادف است.

#### ۵.۳.۴. وند «گر»

در همه ۱۷ مورد مشتق حاوی وند «گر»، مدلول فاعلیت از وند مزبور متجلی شده و وند مزبور براساس زیرمعیار دلالت بر تنها یک مدلول، ۱۰۰٪ طبیعی است. همچنین، این وند با هیچ وند دیگری در *تاریخ‌الوزرا* هم‌نام نیست. این وند دارای معنای کانونی فاعلیت است که مولفه‌های معنایی «تکرار انجام یک کار، شغل و داشتن یک ویژگی و حالت» را دارد.

این وند نسبت به وندهایی که تنها یک معنای کانونی فاعلیت، آن هم بدون مولفه‌های معنایی اختصاصی، دارند، چندمعنا بوده، از تخصیص دوسویه تخطی کرده است. ۱۷.۶۴٪ از واژه‌های مشتق حاوی وند «-گر» با وندهای «-کار و -بان» در معنای کننده کار و شغل مترادف است.

#### ۶.۳.۴. وند «-مند»

این وند در ۶۶.۶۶٪ موارد، بر فاعلیت، و در ۳۳.۳۳٪ موارد بر مدلول مفعولیت دلالت دارد و براساس زیرمعیار دلالت بر یک مدلول، ۶۶.۶۶٪ طبیعی است. همچنین، وند مزبور چندمعنا نیست و براساس زیرمعیار عدم چندمعنایی، ۱۰۰٪ طبیعی است. این وند با هیچ وند دیگری هم‌معنا و مترادف نیست و از این جهت ۱۰۰٪ طبیعی است.

#### ۷.۳.۴. وند «-آنده»

این وند در ۱۰۰٪ موارد بر فاعل بودن دلالت دارد و مدلول دیگری ندارد؛ همچنین، با هیچ وند دیگری هم‌نام و چندمعنا نیست. این وند با هیچ وند دیگری مترادف نیست و از این جهت ۱۰۰٪ طبیعی است.

#### ۴.۴. زایایی کمی و کیفی

زایایی به‌عنوان یک زیرمعیار از معیار تخصیص دوسویه است؛ اما از آنجایی که خود شامل دو زیرمعیار «کمی و کیفی» است، ذیل بخشی جداگانه در نظر گرفته شده است. زمانی یک وند از نظر کمی زایا است که فراوانی نوع و عددی آن برابر با یک باشد. از لحاظ کیفی نیز اگر معنای نهایی واژه حاصل از وندافزایی، به معنای پایه نزدیک باشد، می‌توان وند موردنظر را دارای زایایی کیفی دانست.

#### ۱.۴.۴. وند «-ا»

از ۱۱ واژه فاعلی حاوی وند «-ا»، تنها ۲ مورد «گویا» و «زیبا» (هر کدام ۱ مورد)، برابر با ۱۸.۱۸٪، تک‌بسامدی هستند؛ بنابراین، وند فاعلی «-ا» ۱۸.۱۸٪ زایایی کمی دارد. همچنین، وند مزبور ۱۰۰٪ زایایی کیفی دارد.

#### ۲.۴.۴. وند «-ان»

۸ مورد از ۶۲ مورد حاصل از پسوند «-ان»، برابر با ۱۲.۹۰٪، تک‌بسامدی بوده، وند مزبور ۱۲.۹۰٪ زایایی کمی دارد. همچنین، این وند ۱۰۰٪ زایایی کیفی دارد.

#### ۳.۴.۴. وند «-بان»

در تاریخ‌الوزرا، ۳ مورد تک‌بسامدی «دربان، دیدبان و باغبان» مشتق حاوی وند «-بان» وجود دارد؛ بنابراین، وند موردنظر، به میزان ۱۶.۶۶٪ زایایی کمی دارد. زایایی کیفی وند مزبور نیز ۱۰۰٪ است.

#### ۴.۴.۴. وند «-کار»

در تاریخ‌الوزرا، هر ۳ مورد فاعلی مشتق حاوی وند «-کار» تک‌بسامدی هستند و این وند به میزان ۱۰۰٪ زایایی کمی دارد. همچنین، وند «-کار» از نظر معیار کیفی نیز، ۱۰۰٪ زایا است.

#### ۵.۴.۴. وند «-گر»

در تاریخ‌الوزرا ۳ مورد از ۱۷ واژه فاعلی مشتق حاوی وند «-گر»، تک‌بسامدی هستند و وند «-گر» به عنوان یک وند فاعلی، ۱۷.۶۴٪ زایایی کمی دارد. همچنین، این وند، دارای ۱۰۰٪ زایایی کیفی است.

#### ۶.۴.۴. وند «-مند»

۲ مورد واژه مشتق حاوی وند «-مند»، تک‌بسامدی هستند و زایایی کمی وند مزبور ۳۳.۳۳٪ است. همچنین، وند «-مند» در ۱۰۰٪ موارد، زایایی کیفی دارد.

#### ۷.۴.۴. وند «-آنده»

از میان ۲۲ مورد مشتق حاوی وند «-آنده»، ۱۲ مورد، برابر با ۵۴.۵۴٪ تک‌بسامدی هستند؛ زایایی کمی وند مزبور ۵۴.۵۴٪ است. همچنین، این وند دارای ۱۰۰٪ زایایی کیفی است.

#### ۵.۴. شکل کلمه

وندهایی که یک‌هجایی هستند، نسبت به آنهایی که دو‌هجایی هستند، طبیعی‌تر هستند. هرچه تعداد هجاها کمتر باشد، آن وند طبیعی‌تر است. در پژوهش حاضر وندهای تک-

هجایی را براساس معیار شکل کلمه ۱۰۰٪ و وندهای دوهجایی را براساس همین معیار، ۵۰٪ طبیعی در نظر گرفته‌ایم. وندهای «-گر» -کار، -ان، -مند، -ا و -بان» تک‌هجایی و از نظر معیار شکل کلمه ۱۰۰٪ طبیعی هستند. اما وند «-لآنده» (*-ande*) دوهجایی بوده، براساس معیار شکل کلمه، ۵۰٪ طبیعی است.

## ۵. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر بررسی داده‌بنیاد برخی از وندهای فاعلی در کتاب تاریخ‌الوزرا و در چارچوب صرف طبیعی است. در این پژوهش قصد بر آن است که میزان طبیعی بودن و بی‌نشانی برخی از وندهای فاعلی را در فارسی، شامل «-گر» -کار، -ا، -ان، -بان، -مند، -لآنده و -وار» ، بررسی و پیوستاری از طبیعی بودن این وندها ارائه شود. در صرف طبیعی چهار معیار برای نشان دادن میزان طبیعی بودن یک فرایند اشتقاقی مطرح شده است که شامل «تصویرگونگی و شفافیت واژی، نمایه‌گذاری، تخصیص دوسویه و شکل کلمه» هستند. با استفاده از نرم‌افزار انت‌کانک تمام وندهای موردنظر از کتاب موردنظر فراخوانی و پس از بررسی آنها براساس معیارهای چهارگانه صرف طبیعی مشخص شد که وند «-گر» بی‌نشانی وند فاعلی و وند «-ان» نشان دارترین وند در کتاب موردنظر است.

### جدول ۱- میزان تخطی هر وند از معیارهای تصویرگونگی و شفافیت واژی، نمایه‌گذاری، تخصیص دوسویه و شکل کلمه

ردیف <sup>۱</sup>	وندها	تخطی از معیار ۱	تخطی از معیار ۲	تخطی از معیار ۳	میانگین تخطی از معیار ۳ (تخصیص دوسویه)	میانگین تخطی از معیار ۴	میانگین تخطی از معیارها	میانگین طبیعی بودن وندها
۱	-گر	۰	۰	(۰، ۱۷، ۶۴، ۰، ۸۲، ۳۶، ۰)	۱۲، ۹۴	۰	۳، ۲۳	۹۶، ۷۶
۲	-کار	۰	۰	(۰، ۰، ۶۶، ۶۶، ۳۳، ۳۳)	۱۹، ۹۹	۰	۴، ۹۹	۹۵، ۰۰۲
۳	-مند	۰	۳۳، ۳۳	(۰، ۰، ۶۶، ۶۶، ۳۳، ۳۳)	۱۹، ۹۹	۰	۱۳، ۳۰	۸۶، ۶۹
۴	-لآنده	۰	۰	(۰، ۰، ۴۵، ۴۶، ۰، ۰)	۹، ۰۹۲	۰، ۵	۱۴، ۷۷	۸۵، ۲۲
۵	-بان	۰	۱۱، ۱۱	(۰، ۰، ۸۳، ۳۴، ۳، ۸۸، ۸۸، ۸۳، ۳۴)	۵۱، ۱۱	۰	۱۵، ۵۵	۸۴، ۴۴
۶	-ا	۰	۳۳، ۳۳	(۰، ۵، ۸۱، ۸۲، ۳۳، ۳۳، ۳۳، ۳۳، ۱)	۲۹، ۶۹	۰	۱۵، ۷۵	۸۴، ۲۴
۷	-ان	۰	۸۱، ۳۵	(۰، ۵، ۸۷، ۱۰، ۸۲، ۳۹، ۳، ۱۷، ۱۶، ۲، ۰)	۳۷، ۳۳	۰	۲۹، ۶۷	۷۰، ۳۳

تمامی اعداد به درصد است.<sup>۱</sup>

براساس جدول شماره ۱، پیوستار طبیعی بودن وندها از راست به چپ، براساس معیارهای ۴ گانه در صرف طبیعی، در کتاب تاریخ الوزرا، بدین صورت زیر خواهد بود.

-گر < -کار < -مند < -آنده < -بان < -ان

براساس معیارهای صرف طبیعی، وند «-گر» طبیعی ترین و در نتیجه، بی نشانترین وند «-ان» غیرطبیعی ترین و در نتیجه، نشان دارترین وندهای فاعلی هستند؛ زیرا وند «-گر» کمترین میزان تخطی از معیارها و وند «-ان» بیشترین میزان تخطی از معیارها را در پیکره مورد نظر، دارند.

مختار چاب

## فهرست منابع

- ابوالرجاء قمی، نجم‌الدین (۱۳۶۳). *تاریخ‌الوزرا*. به کوشش محمد تقی دانش‌پژوه، تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه).
- افراشی، آزیتا و فاطمه کوشکی. (۱۳۹۶). تحلیل معناشناسی پیش وند «پیش» در زبان فارسی: رویکرد زبان‌شناسی شناختی. *زبان‌پژوهی*، دوره ۹؛ شماره ۲۵؛ ۱۳۷-۱۶۶.
- انوری، حسن و حسن احمدی گیوی. (۱۳۸۲) *دستور زبان فارسی ۲*. تهران: انتشارات فاطمی.
- حقیقین، فریده. (۱۳۸۷). بررسی میزان طبیعی بودن نظام تصریفی زبان فارسی بر مبنای نظریه صرف طبیعی. *متن‌پژوهی - ادبی*، دوره ۴؛ شماره ۱۰؛ ۷۵-۹۵.
- خرمایبی، علیرضا. (۱۳۸۷). *صفت فاعلی مرکب مرخم: آری یا خیر؟. زبان و زبان‌شناسی*، دوره ۴؛ شماره ۷؛ ۶۳-۷۶.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷) *لغت‌نامه*. تهران: دانشگاه تهران.
- شفایی، احمد. (۱۳۶۳) *مبانی علمی دستور زبان فارسی*. تهران: چاپخانه خوشه.
- صفوی، کوروش. (۱۳۸۰). *نگاهی تازه به چندمعنایی واژگانی. نامه فرهنگستان*، شماره ۲؛ ۵۰-۶۷.
- فرشیدورد، خسرو. (۱۳۸۲) *دستور مفصل امروز: برپایه زبان‌شناسی جدید*. تهران: سخن.
- لازار، ژیلبر. (۱۳۹۳). *دستور زبان فارسی معاصر*. ترجمه مهستی بحرینی؛ تهران: هرمس.
- محمودی بختیاری، بهروز و فائقه شاه حسینی. (۱۳۹۴). *طرحواره‌های تداعی شده تکواژ «کار» به‌عنوان مقوله‌ای چندمعنا: مطالعه‌ای در صرف شناختی. زبان و زبان‌شناسی*، دوره ۱۱؛ شماره ۲۱؛ ۱۱۷-۱۳۲.
- معین، محمد. (۱۳۸۱) *فرهنگ معین*. تهران: کتاب راه نو.
- معینی، فاطمه؛ رضا صحرايي و کوروش صفوی. (۱۳۹۰). *نشان‌داری صوری در سطح واژه‌های زبان فارسی*، دانشگاه علامه طباطبایی.
- منصوری، مهرزاد. (۱۳۹۱). *نشان‌داری در ترجمه‌های فارسی قرآن کریم*. مطالعات ترجمه، ۱۰(۳۸)، ۵۵-۶۸.



نبی‌زاده سرابندی، سیما. (۱۳۷۲). «تجزیه و تحلیل متن بر مبنای واژگان نشان‌دار و بی‌نشان». پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، شیراز: دانشگاه شیراز.  
 وحیدیان کامیار، تقی و غلامرضا عمرانی. (۱۳۹۴) دستور زبان فارسی ۱. تهران: گیسوم.

## References

- Aborrajā Ghomi, N. (1985). *Tārix-ol-vozarā*. Tehran: Ministry of Culture and Higher Education, Institute of Humanities and Cultural Studies.
- Afrashi, A. & Fatemeh Koushki. (2018). Semantic Analysis of 'Pish' Prefix in Persian Language: Cognitive Linguistics Approach. *Journal of Zaban Pazhuhi*, Volume 9; Number 25; pp. 137-166
- Alexiadou, A. (2019). *Morphological and semantic markedness revisited : The realization of plurality across languages*, <https://doi.org/10.1515/zfs-2019-0004>, Published online: 07 Jun 2019.
- Anthony و L. (2014). *AntConc* (Version 3.4.3.0) [Computer Software]. Tokyo, Japan: Waseda University. Retrieved from <http://www.laurenceanthony.net/software/antconc/>.
- Anvari, H & Hassan Ahmadi Givi. (2004). *Persian Grammar 2*. Tehran: Fatemi Publications.
- Boumard, P. (1990). Pour Introduire à L'Ethnographie de L'Ecole. In: *Pratique de Formation*, No 20, Décembre.
- Crystal, D. (2003). *Final Frontiers in Applied Linguistics*. Bangor: University of Wales.
- Dehkhoda, A. A. (1999). *Loghatname* (Encyclopedic Dictionary). Tehran: Tehran University.
- Dressler, W. U. (2005). *Towards a Natural Morphology of Compounding*. Institut Ffir Sprachwissenschaft: Univ.ersitat Wien.
- Dressler, W. U. (2006 b). *Natural Morphology*. Elsevier Ltd.
- Farshidvard, KH. (2004). *Today's Comprehensive Grammar: According to New Linguistics*. Tehran: Sokhan.

- Gagarina, N. (2002). *Productivity of the Verbal Inflection Classes (the case of Russian)*. [www.linguisit.org](http://www.linguisit.org).
- Galeas, G. C. (2001). *What is Natural Morphology? The State of the Art*. Athens, 13: 7-33.
- Galeas, G.C. (1998). *Scalar Categorization*. <http://wjml.ncl.ac.uk>.
- Givon, Th. (1991). Markedness in Grammar: Distributional, Communicative and Cognitive correlates of syntactic studies in language. *Studies in Language* 15(2), DOI: [10.1075/sl.15.2.05giv](https://doi.org/10.1075/sl.15.2.05giv).
- Glaser, B. G. (1992). *Basics of Grounded Theory Analysis*. Mill Valley, CA, Sociology Press.
- Glaser, B.G., and Strauss, A.L. (1967). *The Discovery of Grounded Theory: Strategies for Qualitative Research*. Chicago: Aldine.
- Haghibin, F. (2009). The amount of natural inflectional system based on the theory of Persian language only natural. *Matn Pazhouhi Adabi*, Volume 4; Number 9 & 10. Pp. 75-95.
- Holenstein, E. (1976). *Linguistik and Semiotic*. Frankfurt: Hermeneutik.
- Khormaei, A. R. (2009). Truncated Compound Agentive Adjective: Yes or NO? *Language and Linguistics*. Volume 4, Number 1. pp. 63-76.
- Lazard, G. (2015). *A Grammar of Contemporary Persian*. Translated by Mahasti Bahreini. Tehran: Sokhan.
- Mahmoodi-Bakhtiari, B. & Faegheh Shah Hosseini. (2016). The conveyed Schemas of Persian Morpheme "kār" as a polysemic Lexeme: A study in Cognitive Morphology (in Persian)
- Manova, S. (2005). *Towards a Theory of Conversation in Slavic: Evidence from Bulgarian, Russian and Serocroatian*. [www.silre.org/glossos](http://www.silre.org/glossos).
- Mansouri, M. (2012). Markedness and The Persian Translation of The Holy Quran. *Translation Studies*, Pp. 55-68.
- Mcenery, T. & Andrew Wilson. (2005). *Corpus Linguistics: An Introduction*. Edinburgh University Press.
- Moein, M. (2003). *A Persian Dictionary*. Tehran: Ketabe Rahe no.

- Moeini, F. & Reza Sahraei. & Koroush Safavi (2011). *Structural Markedness in the Level of Vocabularies in Persian*, Tehran: Allame Tabatabaei University.
- Nabizade sarabandi, Sima. (1993). *Analysis of the Text According to Marked and Unmarked vocabularies*. MA Thesis, Shiraz: Shiraz University.
- Plag, I. (2002). *Word Formation in English*. Cambridge: Cambridge, University Press.
- Qiang, Z. (2014). *The reflection of markedness in prototype category theory on semantic level and its implications for second language acquisition*. Published online March 30, 2014 (<http://www.sciencepublishinggroup.com/j/ijll>) doi: 10.11648/j.ijll.20140202.17,
- Rahimian, J. (2011). *Structure of Persian Language (Especial for Bachelor Students of Linguistics and Translation)*. Shiraz: Publishing Centre of Shiraz.
- Rosch E. (1975). Cognitive representation of semantic categories. *Journal of Experimental Psychology*. 104 (3), pp. 192-233.
- Rosch, E. (1978). Principles of categorization. In: B. Lloyd & E. Rosch (Eds.), *Cognition and Categorization*. Hillsdale, NJ: Erlbaum. pp. 27-48.
- Rosch; Eleanor. (1977). Human Categorization. In: Nail Warren (Eds.), *Studies in Cross-Linguistic Psychology*. London: Academic Press. pp. 1-49.
- Saade, B. (2020). *Quantitative approaches to productivity and borrowing in Maltese derivation*. Received: 19 June 2018 / Accepted: 30 May 2020 / Published online: 22 June 2020.
- Safavi, K. (2002). A Fresh Approach to the Question of Lexical Polysemy. *Name- ye Farhangestan*. Number 2; pp. 50-67.
- Shafaei, A. (1985). *Scientific Basics of Persian Grammar*. Tehran: khooshe.
- Vahidian Kamyar, T. & Gholam Reza Emrani. (2016). *Study of Farsi Grammar 1*. Tehran: Gisoom.
- Weisser, M. (2016). *Practical Corpus Linguistics: An Intorduction To Corpus- Based Language Analysis*, Wiley Blackwell.

## A corpus-based investigation into certain Persian Suffixes extracted from *Tārix-ol-vozarā*: natural morphology

Shiva Ahmadi<sup>1</sup>  
Jalal Rahimian<sup>2</sup>

Received: 2022/02/08

Accepted: 2022/11/02

### Abstract

#### 1. introduction

The present paper is a corpus-based study of naturalness and markedness of some Persian subject suffixes: '-ā, -ār, -ān, -bān, -gar, -kār, -mand and -ande', extracted from *Tārix-ol-vozarā*, within Natural Morphology framework. There is no work in literature that focuses on showing a continuum of subject suffixes in Persian according to their markedness and naturalness. This paper aims to show ranking of naturalness of some subject suffixes in Persian. Natural morphology is a cognitive-functional approach which was introduced in 1970s. In this approach, naturalness and markedness are two important terms which are different from frequency and simpleness. Naturalness is not a definite issue; In other words, we can show naturalness of a language process in a continuum. There are 4 semiotic criteria for understanding naturalness of any word formation process including: 1. morphotactic transparency, 2. indexicality, 3. transparency bi-uniqueness and 4. Shape of signan. According to morphotactic transparency, there is a relation between form and meaning: meanwhile there is a meaning and concept for each form. In the forms which have the highest transparency, we can separate stem and affix; while in some cases, affixation causes some phonological changes in stem and it result in reducing transparency. Indexicality means a signan should have just one signatum. bi- uniqueness means that a signan should have just one signatum and vice versa. This criterion

---

<sup>1</sup> PhD candidate, General Linguistic- Department of Foreign Languages and Linguistics, Shiraz University, Shiraz, Iran; sh.ahmadi.ikiu@gmail.com

<sup>2</sup> PhD, Linguistics, Professor in Department of Foreign Languages and Linguistics, Faculty member of Shiraz University, Shiraz, Iran (corresponding author); jrahimian@rose.shirazu.ac.ir

doesn't accept synonymous, homonymy and polysemy. For example, whenever two words are synonyms, then they have violated bi-uniqueness. Also, productivity is important for this criterion. There are two sub-criteria for this parameter: Qualitative criterion and quantitative criterion. According to the first one, closeness of the meaning of a derived word to its stem, without any semantic change is focused. According to the later, new tokens of a process should be focused. The fourth criterion of naturalness, is about the number of syllables of each word or affix. One-syllable words and affixes are more natural than two-syllable ones. Data of the present paper are studied according these four criteria. As Persian subject suffixes form a fairly large category, a corpus-based study on them remains to be done. The present paper aims at comparing and contrasting certain number of such suffixes to discover which one is the most natural and the least marked within Natural Morphology framework. As a suggestion for doing future studies, doing a corpus-based study on subject suffixes in teaching Persian language coursebooks can show that if these books are teaching subject suffixes according to their naturalness and un-markedness ranking or not.

## 2. Materials and method

As this paper is a corpus-based study, the writers needed to make data machine readable; so the book *Tārix-ol-vozarā* was typed and after that AntConc software was used to extract subject suffixes ;extracting suffixes, the were copied into excel to filter the parts which were not needed. After filtering unnecessary data, all the sentences containing target derived words, were studied and these results were observed: the number of derived words containing suffix –bān is the most- 352 cases and suffix –kār has the least amount of derived words.

## 3. Result and discussion

Based on the findings of the study, -gar is the most while -ān is the least natural suffix in the corpus. In other words, it is shown that suffix –gar has the least and suffix -ān has the most violation of four criteria mentioned above. It was also proved that -ār is not a subject suffix in the corpus and it is used as a gerund or object suffix.

Table1. The amount of naturalness of each suffix

rank	Suffixes	Violation of . morphotactic transparency	Violation of indexicality	Violation of bi- uniqueness	Violation of shape of signan	Average violation of 4 criteria	Average of suffixes' naturalness
1	-ã	%0	%33.33	%29.69	%0	%15.75	%84.24
2	-ãñ	%0	%81.35	%37.33	%0	%29.67	%70.33
3	bãñ'	%0	%11.11	%51.11	%0	%15.55	%84.44
5	-kâr	%0	%0	%19.99	%0	%4.99	%95.002
6	-gar	%0	%0	%12.94	%0	%3.23	%96.76
7	-mand	%0	%33.33	%19.99	%0	%13.30	%86.69
8	-ande	%0	%0	%9.092	%50	%14.77	%85.22

#### 4. Conclusion

Based on the findings of the study, *-gar* is the most while *-ãñ* is the least natural suffix in the corpus. In other words, it is shown that suffix *-gar* has the least and suffix *-ãñ* has the most violation of four criteria mentioned above. It was also proved that *-ãr* is not a subject suffix in the corpus and it is used as a gerund or object suffix.

**Key words:** markedness; Natural Morphology; naturalness, subject suffixes, historical approach

